

تحلیل سیاسی هفته (۱۳۱)

تحلیلی بر ابعاد و دامنه حملات صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی

مقدمه

شهرک‌نشین‌های صهیونیست با همراهی و حمایت نظامیان رژیم صهیونیستی در یک اقدام ضدانسانی دیگر به صورت پیاپی و گسترده از ۲۲ شهریورماه به نمازگزاران در مسجدالاقصی حمله کردند. گروه‌های افراطی رژیم صهیونیستی چندین روز است که سازماندهی حمله به مسجدالاقصی را به بهانه اعیاد یهودی در دستور کار قرار داده‌اند و جوانان فلسطینی در تلاش برای دفاع از این مسجد مقدس هستند و در مقابل، نظامیان رژیم صهیونیستی از گاز اشک‌آور، گلوله پلاستیکی و بمب صوتی برای سرکوب آنان استفاده می‌کنند. صهیونیست‌ها پس از چندین روز سرکوب فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس اکنون موج جدید بمباران غزه را هم به دستور کار حملات خود علیه فلسطینی‌ها اضافه کرده‌اند تا تنش در سرزمین‌های اشغالی به اوج برسد. مقامات صهیونیست برای گسترش حملات علیه فلسطینی‌ها در کرانه باختری و بیت‌المقدس، نیروهای ذخیره نظامی خود را نیز فراخوانده‌اند. این اقدام غیرانسانی رژیم صهیونیستی که در ادامه سلسله حملات آن طی سال‌ها و دهه‌های گذشته می‌باشد، بیانگر استیصال و ضعف مفرط این رژیم است و حمله به فلسطینی‌ها را مفری جهت رهایی از آن می‌انگارد.

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

۱. اهداف صهیونیست‌ها از حمله به مسجدالاقصی

صهیونیست‌ها نشان داده‌اند هر زمان که اوضاع را برای تعرض به فلسطینیان و پیش بردن مطامع خود مناسب دیده‌اند از هیچ اقدام تجاوزکارانه‌ای دریغ نکرده‌اند. در شرایط موجود نیز این رژیم تحت تأثیر انگیزه‌های گوناگون به حمله علیه فلسطینیان آن هم در مسجدالاقصی دست زده تا از این طریق علاوه بر نشان دادن جاه‌طلبی‌های خود به اهداف مختلف در سطوح داخلی و خارجی دست یابند.

مشخصات گزارش

● تحقق هدف تخریب مسجدالاقصی

صهیونیست‌ها همواره خود را به دروغ داعیه‌دار و میراث‌دار پیامبران یهود دانسته و از این رو، محوطه مسجدالاقصی را مکان مقدس یهودیت دانسته‌اند و ادعا دارند که معبد یهودیان باید جایگزین این مسجد شود. افراط‌گری اخیر صهیونیست‌ها را نمی‌توان علیرغم وجود دلایل و انگیزه‌های گوناگون از این ادعای پوشالی صهیونیستی میرا دانست. تخریب مسجدالاقصی و کشتار بیشتر فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها در چنین فضایی قابل ارزیابی است که حکایت از آن دارد که اگر آنان فرصت بیابند تلاش خواهند کرد تا هم فلسطین و فلسطینی را حذف کنند و هم معبد ادعایی خود را بر روی ویرانه‌های مسجدالاقصی بنا نمایند.

شماره مسلسل:
۲۶۰۱۴۴۵۷

تاریخ انتشار:
۱۳۹۴/۷/۴

● سیاست شهرک‌سازی و جلب آرای شهرک‌نشینان صهیونیست

صهیونیست‌ها علیرغم مخالفت‌های جهانی بر تداوم شهرک‌سازی در سرزمین‌های فلسطینی اصرار دارند. رژیم صهیونیستی به نظر می‌رسد نزدیک بودن انتخابات و تلاش نتانیاهو برای جلب آرا، این رژیم را بیش از گذشته به تلاش

برای تأمین مطامع شهرک‌نشینان صهیونیست واداشته است. در واقع، دلیل همراهی نتانیاهو این است که شهرک‌نشینان و گروه‌های به اصطلاح مذهبی و تندرو به طیف فکری او و هم حزبی‌هایش تعلق دارند و کانون رأی او را تشکیل می‌دهند. بنابراین همراهی و همسویی وی با این افراط‌گرایی ضامن تداوم بقای سیاسی او خواهد بود. همچنین هدف نتانیاهو از این همسویی جنبه پیشگیرانه نیز دارد، زیرا با التهاب، درگیری و بحران بیشتر در فضای داخلی فلسطین، به دنبال آن است که امتیازاتی را برای مرحله آینده کسب کند. ضمن اینکه در چنین فضای ملت‌هپی که قیام فلسطینی‌ها به دلیل اهانت به مسجدالاقصی را رقم خواهد زد، حزب حاکم بهانه بیشتری برای تسلط بر رقبای حزبی خود در صحنه داخلی خواهد داشت.

• ترمیم سیاست شکست خورده رژیم صهیونیستی در صحنه سوریه

تغییر اجباری سیاست‌های غرب نسبت به سوریه در حالی صورت گرفت که رژیم صهیونیستی براندازی نظام این کشور را در دستور کار خود قرار داده بود. بزرگ‌ترین آرزوی این رژیم در مورد بحران سوریه سقوط اسد و جایگزینی آن با دولتی طرفدار غرب است که روابط خود را با حزب... لبنان قطع و با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار کند. در شرایط موجود بزرگ‌ترین چالش این رژیم ناتوانی آن در نقش‌آفرینی در صحنه سوریه است. تحت این شرایط نتانیاهو برای مهار موج انتقادات از ناکامی سیاست‌های خود در بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه ناگزیر از افراط‌گری و تندروی است تا این شکست را در جای دیگر از طریق همراهی با جامعه صهیونیستی جبران کند.

• منحرف‌سازی توجه غرب از توافق هسته‌ای با ایران

از دیگر نشانه‌های ناکامی سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی توافق هسته‌ای اخیر ایران موسوم به برجام است. حفظ حق هسته‌ای و دانش هسته‌ای ایران و شناسایی رسمی آن از سوی غرب که پیش از این از سوی نتانیاهو جزء خطوط قرمز رژیم صهیونیستی مطرح شده بود، روابط میان اروپا و دولت آمریکا با سردمداران این رژیم را تحت تأثیر قرار داده است. مشکل رژیم صهیونیستی با توافق هسته‌ای ایران از یکسو به حفظ توانمندی‌های هسته‌ای ایران و از سوی دیگر به احتمال ترمیم روابط ایران با کشورهای اروپایی و غرب و افزایش ظرفیت اقتصادی کشورمان بازمی‌گردد. بدون تردید معضل اصلی صهیونیست‌ها آن است که در نتیجه رفع تحریم‌ها، توان اقتصادی ایران ارتقا یابد. از نظر این رژیم در این صورت ایران فضای مہیابتری برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود در جهت حمایت از محور مقاومت در منطقه خواهد داشت. این درحالی است که رژیم صهیونیستی خواستار آن است که ایران همچنان یک مسئله امنیتی باشد تا به بهانه آن بتواند سیاست‌های سرکوب‌گرانه و تهاجمی خود از جمله علیه فلسطینی‌ها را توجیه کند و همچنان با فرافکنی، توجه جامعه جهانی را از ستمی که بر مردم فلسطین می‌رود منحرف کرده و به سمت ایران و مسئله هسته‌ای منحرف سازد و از سوی دیگر با مظلوم‌نمایی، خود را قربانی توافق بین ایران و گروه ۵+۱ نشان دهد. در شرایط موجود که نگاه و توجه غرب معطوف به توافق هسته‌ای با ایران است، تشدید تندروی‌های صهیونیستی می‌تواند بار دیگر غرب و جمهوری اسلامی ایران را در برابر هم قرار دهد و این فرصت به زعم صهیونیست‌ها فراهم شود که آنها بار دیگر خطر ایران را به غرب گوشزد نمایند.

۲. پیامدهای حمله به مسجدالاقصی

تهاجم صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی که با اهداف و انگیزه‌های واهی صورت گرفته، در عمل غرض رژیم صهیونیستی را نقض می‌کند. زیرا تجربیات قبلی نیز نشان داده‌اند که این رژیم هر وقت در شرایط استیصال واقع شده، به تندروی دست زده و مجبور شده تبعات آن را نیز بپذیرد. بر همین اساس مهم‌ترین پیامدهای حمله این رژیم به فلسطینی‌ها در مسجدالاقصی را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد:

• انزوای جهانی صهیونیست‌ها

تجارب پیشین حملات صهیونیست‌ها به فلسطینی‌ها به وضوح نشان داده که اقدامات خشونت‌بار این رژیم همواره با واکنش منفی در افکار عمومی مواجه شده و حتی گاهی حکومت‌ها نیز مجبور شده‌اند تا برای همراهی با فضای فکری غالب، حداقل در مواضع اعلامی دست به انتقاد بزنند. در شرایط موجود که صهیونیست‌ها، مسلمانان فلسطینی در مسجدالاقصی را مورد حمله قرار داده‌اند، با موج انتقادات و

اعتراضات جهانی روبرو شده‌اند. در واقع، اقدام افراط‌گرانه فعلی این رژیم که متعاقب تصویب دو قانون بسیار تحریک‌کننده ضد فلسطینی و ضد اسلامی (قانون اول «شکار کودکان پرتاب‌کننده سنگ» در کرانه باختری و بیت المقدس و دیگری قانون «تقسیم زمانی و مکانی مسجدالاقصی») در مراکز تصمیم‌ساز سیاسی و قضایی آن صورت گرفته، ضمن اینکه نشان از سمت و سوی مواضع کابینه جدید صهیونیستی در مرحله آینده دارد، از چهره ضدانسانی این رژیم پرده برمی‌دارد. هر دو قانون با واکنش‌های تند هم از سوی محافل داخل این رژیم و هم از سوی طرف فلسطینی روبرو شد. با وجود این نه قانون مربوط به پرتاب‌کنندگان سنگ و نه قانون مربوط به تقسیم مسجدالاقصی هیچ یک موضوع جدیدی برای فلسطینی‌ها نیست و تاکنون از این دست قوانین بسیار تصویب شده‌اند که جز تشدید فضای امنیتی در درون فلسطین و درگیری‌های مستمر میان صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها حاصل دیگری نداشته و مانع از مقاومت مردم فلسطین نشده است. تشدید تنش‌ها و افراط‌گری صهیونیست‌ها به‌ویژه در قالب حمله به نمازگزاران در مسجد که حاکی از به رسمیت نشناختن حقوق اولیه و اصلی فلسطینی‌هاست، واکنش‌های افکار عمومی جهان را برانگیخته که نشانه روشنی از افزایش انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی و منفوریت آن است.

● افزایش انتقادات از رژیم صهیونیستی در غرب

برخی کشورهای غربی از جمله ایتالیا، فرانسه، انگلیس و حتی آمریکا از سیاست شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های فلسطینی و یورش صهیونیست‌ها به بیت‌المقدس انتقاد کرده و آن را مخالف الزامات روند به اصطلاح صلح می‌دانند. البته دولت‌های غربی به‌طور معمول همواره از واکنش فعال در قبال جنایات صهیونیست‌ها خودداری کرده‌اند. با این حال سیاست افراط‌گری نتانیاهو که در قالب شهرک‌سازی و حمله به مسجدالاقصی نمود یافته است، بعضاً تحریم کالاهای اسرائیلی و در مواردی تحریم آکادمیک این رژیم در غرب را به دنبال داشته و اتحادیه اروپا را در مقابل کابینه نتانیاهو قرار داده است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در مواردی حتی مخالفت و اعتراض متحدان خود را نیز برانگیخته است که می‌تواند به انزوای بیشتر این رژیم بیانجامد. از زاویه‌ای دیگر، تدریجی‌های صهیونیست‌ها و اصرار به تداوم این رویه خود بیانگر اشتباه استراتژیک غرب در اعطای امتیازات بی حد و حصر به این رژیم بوده است. نتیجه این روند حمایت‌گرانه آن بوده که کنترل صهیونیست‌ها از دست حامیان غربی آن نیز خارج شده و رژیم اشغالگر انتظار تبعیت کشورهای غربی از سیاست‌های خود را دارد. این درحالی است که برخی تحولات سال‌های اخیر از جمله شناسایی دولت مستقل فلسطینی از سوی شماری از مجالس ملی اروپایی نشان می‌دهد که روند انتقاد از صهیونیست‌ها در غرب نیز افزایش یافته و تحولات روزهای اخیر می‌تواند این روند را تشدید کند.

● افزایش تنفر جهان اسلام از رژیم صهیونیستی

ضدیت با رژیم صهیونیستی در بافت و ماهیت جوامع اسلامی ریشه دوانده است و با اقدامات تجاوزکارانه صهیونیست‌ها عمق بیشتر و نمود آشکارتری می‌یابد. جوامع اسلامی که خود را ید واحد اسلام می‌دانند، همواره در برابر کشتار فلسطینی‌ها توسط رژیم اشغالگر قدس واکنش نشان داده و آن را محکوم کرده‌اند. اعتراضات و مخالفت گسترده مسلمانان گاه تا آنجا اثربخشی خود را نشان می‌دهد که دولت‌های حاکم را نیز به تبع خود به واکنش و اعلام مواضع رسمی در مخالفت با جنایات صهیونیست‌ها وا می‌دارد. در همین راستاست که حملات رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصی از سوی دولت‌های اسلامی محکوم شده است.

● به چالش کشیده شدن مواضع و سیاست‌های منطقه‌ای دولت‌های عرب

تجاوزات و جنایات رژیم صهیونیستی بار دیگر سیاست‌های منطقه‌ای حکام عرب منطقه را به چالش کشیده است. درحالی که رژیم اشغالگر در حال کشتار فلسطینی‌هاست و بیش از پیش حقوق حقه آنها را تضييع می‌کند، برخی دولت‌های عرب منطقه از جمله عربستان و امارات نیز در جایی دیگر در حال کشتار مسلمانان هستند. از نظر بسیاری از جوامع مسلمان تفاوتی میان کشتار مسلمین در فلسطین توسط رژیم اشغالگر قدس و کشتار مسلمانان در یمن توسط آل سعود نمی‌باشد و هر دو به یک میزان محکوم‌اند. از سوی دیگر این سؤال

نزد مسلمانان مطرح است که در شرایطی که صهیونیست‌ها هر روز جنایات تازه‌ای را علیه مردم مظلوم فلسطین مرتکب می‌شوند، چرا ارتش برخی دولت‌های عرب به جای مقابله با صهیونیست‌ها، مشغول کشتار مسلمانان و زنان و کودکان یمن است. به همین دلیل در شرایط موجود تهاجم رژیم صهیونیستی به مسلمانان در فلسطین، سیاست‌های منطقه‌ای آل‌سعود و همچنین امارات را در معرض چالش جدی قرار داده و بیش از پیش بر عدم مشروعیت چنین سیاست‌هایی صحنه نهاده است.

● ظهور موج جدید انتفاضه فلسطینی

به عقیده بسیاری از تحلیلگران هر زمان فشار صهیونیست‌ها بر فلسطینی‌ها رو به تصاعد نهاده، مبارزه گسترده‌ای تحت عنوان انتفاضه در جامعه فلسطینی به راه افتاده است. انتفاضه اول فلسطینی‌ها در سال ۱۹۸۷ که به «انتفاضه سنگ» یا «انتفاضه فلاخن‌ها» لقب یافت در نتیجه چنین افراط‌گری‌هایی رخ داد و انتفاضه دوم آنان در سال ۲۰۰۰ که به انتفاضه الاقصی لقب یافت نیز حاصل اقدام صهیونیست‌ها در اهانت به اولین قبله و سومین حرم شریف مسلمانان بود. حاصل اولین انتفاضه فلسطینی‌ها تثبیت هویتی در جهان به نام هویت «ملت فلسطین» بود و انتفاضه دوم نیز هویتی به نام ضرورت ایجاد «دولت فلسطین» را در نزد افکار عمومی جهان تثبیت کرد. بر این اساس، دور از انتظار نیست که فلسطینی‌ها شاهد سومین انتفاضه‌ای باشند که به تعبیر تحلیلگران صهیونیست موجودیت و بقای این رژیم را پیش از گذشته در معرض تهدید وجودی قرار دهد. فلسطینی‌ها نسبت به بیت‌المقدس احساس هویت می‌کنند و کمترین تعرض صهیونیست‌ها به این مکان مقدس را بر نمی‌تابند. نکته جالب قیام جدید ملت فلسطین نوع سلاحی است که در مقابله با دشمن صهیونیستی استفاده می‌شود. سلاح فلسطینی‌ها در دو انتفاضه پیشین یعنی سال ۱۹۸۷ و ۲۰۰۰ عمدتاً سنگ بوده است که بیشتر کارکرد تدافعی داشته، اما اکنون فلسطینی‌ها سلاح‌های سرد و گرم به کار می‌گیرند که بیشتر کارکرد تهاجمی دارد. ضمن اینکه مردم کرانه باختری و قدس وقتی می‌بینند چگونه مردم غزه علی‌رغم محاصره شدید توانستند در جنگ‌های اخیر سلاح‌ها و موشک‌های خود را ارتقا بخشیده و به درون گنبد آهنین رخنه نمایند، جرئت، جسارت و اعتماد به نفس بیشتری در استفاده از سلاح‌های پیشرفته‌تر پیدا می‌کنند.

نتیجه‌گیری

تجربه تاریخی نشان داده که رژیم صهیونیستی هر زمان تحت فشار ناشی از سیاست‌های اشتباه خود دچار درماندگی و استیصال می‌شود، به افراط‌گری علیه فلسطینی‌ها دست می‌یازد. بر همین اساس، رفتارهای افراطی این روزهای صهیونیست‌ها بیشتر جنبه واکنش نسبت به مجموعه‌ای از رویدادهایی دارد که در گذشته در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اتفاق افتاده و نتایج آن در مرحله آینده بر سرنوشت این رژیم تأثیر خواهد گذاشت.

درواقع، حزب حاکم صهیونیستی به‌منظور جلب آرا و تثبیت بقای خود در صحنه سیاست و همچنین با هدف جبران ناکامی‌های خود در جریان تحولات منطقه، مبادرت به افراط‌گری و اقدامات تجاوزکارانه علیه ملت فلسطین نموده است. این درحالی است که این قبیل تحرکات، افزایش انتقادات بین‌المللی از سیاست‌های غیرانسانی این رژیم و به‌ویژه افزایش تنفر جهان اسلام از رژیم صهیونیستی را به‌دنبال خواهد داشت و در سطحی وسیع‌تر به انزوای جهانی صهیونیست‌ها منجر خواهد شد.

